

توسن امید

احترام السادات علوی

علوی، احترام السادات

توسن امید / مؤلف احترام السادات علوی. - تهران: کتابسرای نیک، ۱۳۸۵.

ISBN: 964-8664-96-X

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا.

۱. داستان های فارسی - - قرن ۱۴. الف. عنوان.

۸۶۳/۶۲

ت ۹۸۲۷/۱۵۱ PIR

۱۳۸۵

۴۷۴۶۴ - آ ۸۵

کتابخانه ملی ایران

توسن امید

احترام السادات علوی



نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۸۵

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۲۰۰ تومان

شابک: X-۹۶-۸۶۶۴-۹۶۴

کلیه حقوق محفوظ است.

خیابان جمال زاده جنوبی، کوچه کاج، شماره ۹، طبقه ۳

تلفن: ۶۶۴۱۲۶۲۶

Email: store@ketabsarayanik.com

Website: www.Ketabsarayanik.com

مقدمه



از نوجوانی شاهد اعمال نیکوکارانه و خیرخواهانه پدر و مادرم بودم. آنها با این که خود زندگی بسیار ساده‌ای داشتند، همیشه در فکر احسان و بخشش به یتام و زنان بی‌سرپرست بودند. در خانه ما همواره به روی این افراد باز بود.

در میان آنان زنان جوانی را می‌دیدم که جسم سالمی دارند و از قدرت بدنی خوبی برخوردارند. به این فکر افتادم که به جای کمک‌های مالی وسیله‌ای فراهم کنم و راهی نشان آنها دهم تا خود، زندگی‌شان را اداره

کنند و سربار دیگران نباشند و به تن‌پروری عادت نکنند. چنان در این اندیشه‌ها غرق می‌شدم که گاه خود را در قالب یکی از آنها می‌پنداشتم و با خود می‌گفتم: « چگونه و از کجا شروع به کار کنم، چگونه پیشرفت کنم تا از دیگران سبقت بگیرم و برای خود کسی باشم؟ »

این افکار سبب گردید تا کنجکاویم تحریک شود و در پی زبانی باشم که با همت والای خود، سعادت‌مند شده‌اند. شنیده بودم سرزمین ما مهد شیرزنان و فرهیختگان است.

با این نگرش، زندگی پربار - چه مادی و چه معنوی - از ایده‌آل‌هایم شد، زیرا می‌دانستم زنان موفق در جامعه ما کم نیستند. هر از گاهی که به یکی از این موارد بر می‌خوردم، امیدواریم فزونی می‌یافت. در این چند سال عمری که از خداوند گرفته‌ام، زنان غیور و باعزت نفس زیاد دیده‌ام. یکی از این شخصیت‌ها مرا مجذوب خود کرد. او را لحظه‌ای بیش ندیدم ولی قصه زندگی او را شنیده‌ام که زنی عفیف و با ایمان بود، در جوانی همسرش را از دست داد، دور از خانواده خود، به تنهایی و با همت و پشتکار به یک زندگی با عزت دست یافت. او اکنون زنی متمول و نیکوکار است.

این داستان مرا واداشت تا نمونه‌هایی از زندگانی چنین شیرزنانی را که کم هم نیستند، به صورت داستانی شیرین، با بُعدی معنوی به رشته تحریر در آورم و به جامعه دختران و زنان ایران تقدیم نمایم، زیرا کارهای فرهنگی را برای تعالی فکر و ایجاد انگیزه در بانوان ایرانی بسیار لازم و

ضروری می‌دانم. در موقعیتی که معضلات اجتماعی، بلای خانمانسوز اعتیاد «اپیدمی عصر ما» شده است، زمانی که سرخوردگی و واماندگی، فوج فوج همسران را به متار که وادار می‌کند و بی‌سرپرست می‌گذارد، از میان این زنان عده‌ای به ناچار، به زیر چتر حمایت خانواده‌شان برمی‌گردند که خالی از اشکال نیست، عده‌ای هم نمی‌دانند چه کنند، چشم به کمک دیگران دوخته‌اند و با سپردن فرزندشان به یتیم‌خانه‌ها می‌خواهند خود را از زیر بار مصایب رها سازند، گروهی هم هستند که می‌خواهند روی پای خود بایستند و برای خود کاری دست و پا کنند. اما گروهی که عزت نفس بالایی ندارند و سست‌عنصر می‌باشند، متأسفانه به بیراهه می‌روند، حتی در محیط کار دچار وسوسه شیطانی و هوای نفس می‌گردند، پا به حریم زندگانی دیگران می‌گذارند و برای خود کاخی در ویرانه زندگی دیگران دست و پا می‌کنند.

در روزنامه‌ها بسیار خوانده می‌شود: «زنی خود را سوزاند، زنی به قتل رسید و ...» یقین دارم اگر این زنان درست رهبری شوند و در صراط‌المستقیم قرار گیرند یا توسط انسان‌های نیکوکار مورد حمایت معنوی قرار گیرند، کاری خواهند کرد کارستان. آرزو مندم جامعه‌ای سربلند و آینده‌ای بدون دغدغه، پریشانی و معضلات اجتماعی در پیش رو داشته باشیم.

من الله التوفیق

احترام‌السادات علوی